



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، فاکس: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
چاپ: نشر روز تاب تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewsagency.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۲ اذان مغرب ۱۸:۰۰ اذان صبح فردا ۴:۴۰ طلوع آفتاب ۶:۰۴

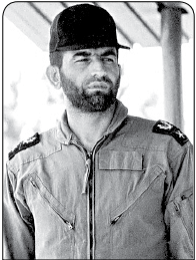
سروش

روزنامه

پنجشنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۰ - ۸ دی‌القمعه ۱۴۳۲ - ۶ اکتبر ۲۰۱۱ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۳۶۱ - شماره ۴۲۷ دوره جدید - ۱۲ صفحه+ ۲۲ صفحه ضمیمه

بخش فیلم مستند شهید بابایی در نگراس

مهر: تنها فیلم موجود از حضور شهید عباس بابایی و دوستانش در پایگاه هوایی نگراس آمریکامایش داده‌می‌شود.این فیلم مستنددر سال ۱۳۵۱ از سوی خلبان اکبر صیادیورانی با دوربین هشت میلی‌متری فیلمبرداری شده و صحنه‌هایی از حضور عباس بابایی و دیگر خلبان‌های ایرانی در پایگاه هوایی ایالت نگراس را به نمایش می‌گذارد. همچنین «شوق پرواز» مجموعه تلویزیونی است که به کارگردانی یدالله صمدی و تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی با موضوع زندگی خلبان شهید عباس بابایی ساخته شده است.



مطالعات فرهنگی

سینمای ایران سوغاتی افتخار آمیز

نعمت‌الله فاضلی



■ این را بدانیم که ایرانی‌بودن لزوماًهمراه با داشتن شناخت کافی و حتی شناخت ضروری از طبیعت و تاریخ یا حتی جامعه ایران نیست. روزی این موضوع برای شما آشکار می‌شود که بخواهید برای کسی درس‌راه ایران و نواحی خاصی از آن توضیح دهید. دوست داشتیم پسرزم زیبای‌های ایران را ببینندو ایران را بهتر بشناسند. دلم می‌خواست فرزندم احساس عاشقانه به سرزمین و زادگاهش داشته باشد. میل به پرورش احساسات وطن‌دوستانه و آشنا کردن فرزندان ایرانی نیز از دغدغه‌های اغلب ایرانی‌هایی است که به هر دلیل فرزندان‌شان دور از وطن‌شان زندگی می‌کنند. برای کسانی که در آب و خاک‌شان زندگی می‌کنند، معمولاً این مساله و نگرانی وجود ندارد که مبدا بچه‌هایشان به‌قدر کافی وطنشان را نشناسند یا مبداا حس وطن‌دوستی بچه‌هایشان ضعیف باشد. البته پسرمر ایران را دوست دارد، اما گمان می‌کردم آشنایی بیشتری او با سرمایه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی ایران، باعث تحکیم و تقویت بیشتر حس وطن‌دوستی او شود. با وجود تمام نقدها و کاستی‌هایی که در جامعه ایران سراغ دارم و با وجود دلخوری‌هایم، باز یکی از آرزوهایم این است که پسرمن تنها احساس خوب و عاشقانه‌ای از وطنش داشته باشد، بلکه دوست دارم او عمیقاً ایرانی باشد. دوست دارم فرهنگ، یک چنتملن ایرانی باشد نه انگلیسی! هر گاه لندن می‌روم و کنار خانواده هستم با فرهنگ در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران زمین صحبت می‌کنم. از دانشمندان، شاعران، هنرمندان، مکان‌های دیدنی، گذشته، حال و روز امروز ایران برایش سخن‌ها می‌گویم. در هر سفر مجموعه‌ای از فیلم‌های سینمایی ایرانی را با خودم به لندن می‌برم. درواقع امروزه مهم‌ترین سوغات فرهنگی ایران که می‌توان به غر ب‌رد محصولات سینمایی است. سوغاتی که می‌توان به آن افتخار کرد. فرهنگ به فلسفه، تاریخ و ادبیات علاقه دارد. این علاقه باعث می‌شود تا زمینه زیادی برای بحث و گفت‌وگو داشته باشیم. این نکات را برای تحسین و ستایش فرزندمن‌نگفتم. بلکه‌هدفم فراهم‌کردن‌زمینه ذهنی برای خوانندگان است تا بهتر با این سفر و هدف‌ها و همراهان آن آشنا شوند.

بعد از ورود به تهران و اقامت سه روزه در آن، به اراک و مصلح آباد اذگام‌هم رفتیم. سپس از، شهرهای خوی، ارومیه، پیرانشهر، اردبیل، سرعین، تبریز، روستای کندوان، روستای ماسوله، بندرانزلی، رشت، رامسر و بابلسر دیدن کردیم. البته از شهرهای زیادی عبور کردیم، در شهرها و نقاط مذکور توقف کرده و از مراکز دیدنی آنها بازدید کردیم. در این سفر علاوه بر خانواده‌ام، سه خانواده دیگر شامل بستگان نزدیک همسر من را همراهی می‌کردند. از این رو کاروان کوچکی بودیم. خاله‌های فرهنگ و خانواده‌شان، پدر بزرگ و مادر بزرگ فرهنگ و دایی او، اعضای کاروان ما را تشکیل می‌دادند. جمعا ۱۶ نفر و چهار اتومبیل سواری در این کاروان حضور داشتند. ترکیب کاروان جالب بود. نمایندگان سه نسل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها (آقاچون و عزیز)، پدران و مادران (محمود، محمد، اردشیر) و من به علاوه نسرين، فلورا و (سکینه) و فرزندان یا نوه‌ها (مهدی، فریزین، طناز، اشکان و علی) در آن بودند. در ایران امروز نسل پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها هنوز حیات فرهنگی خود را حفظ کرده و کم و بیش در بافت جمعی خانواده‌ها مشارکت دارند، اگرچه دیگر کارکردهای گذشته‌شان را برای انتقال فرهنگ و سنت ندارند و مشارکت آنها در فرهنگ خانواده تا حدودی جنبه نمادین دارد. آنها دیگر قصه‌گوی بچه‌ها نیستند، زیرا قصه‌های آنها روایت‌های روزآمد و مدرنی نیست که پاسخگوی نیاز نوه‌ها باشد. فرزندان نیز دیگر مهارت‌های زندگی را از آنها نمی‌آموزند. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به ویژه در میان طبقه متوسط جدید شهری معمولاً تلاش می‌کنند، خود را با خواست‌ها و سلیقه جوان‌ترها سازگار کنند و اصراری برای سازگار کردن دیگر با سلیقه خودشان ندارند. آنها نمی‌خواهند مزاحم و سربار باشند. از این رو برای بچه‌ها منبع مهربانی و لطف‌اند. چیزی که در سراسر این سفر برجستگی داشت، اهمیت بچه‌ها و اقتدار بدون تردید نوه‌ها بود. کاروان عموماً مطابق خواست بچه‌ها عمل می‌کرد. در عین حال، رفتارها، عملکرد هوشمندانه، زبان مختلف را با حضور کارشناسان بررسی می‌کنند. کمالاتی که دو سال گذشته این کشور با تشکیل جلسه تصمیم به برگزاری کلاس درس خارج فقه مجسمه‌سازی در سال ۹۰-۸۹ گرفتند. درست است که شاید برخی بگویند مجسمه‌سازی حرام است اما در جلسات شورای فقهی مدرسه اسلامی هنر عنوان شد که نظر همه فقها بر حرمت مجسمه‌سازی نیست.

فلک‌الافلاک

خرم آباد کمی نزدیک شد

بهمن فروتن



سر مربی داتیس خرم‌آباد

■ آقای الف می‌خواست یک تابلوی نقاشی به دیوار بیاویزد. او در کشو میخ داشت ولی برای کویدن آنها احتیاج به چکش بود. آقای الف می‌دانست که همسایه چکش دارد و تنها راه آویزان کردن تابلو قرض گرفتن آن است. پیش خودش می‌گوید نه من این کار را نمی‌کنم چون اگر الان بسروم و رنگ بزنم آن مرد بداخلاق با قیافه‌ای نحس در را بازخواهد کرد. مطمئناً جواب سلام مرا هم نخواهد داد و با صدای کلفتش به من خواهد گفت این وقت صبح چرا مزاحمت ایجاد کرده‌ای! من می‌گویم مزاحمت مرا ببخشی می‌توانید چکش‌تان را برای چند دقیقه‌ای به من قرض دهید؟ و او با همان صدای گوش‌خراشش به من خواهد گفت: خبر من چکشم را به شما قرض نخواهم داد و اگر یکبار دیگر مزاحم من شوید از شما شکایت خواهم کرد. آقای الف دلش طاقت نمی‌آورد از آپارتمانش می‌رود بیرون، زنگ همسایه را می‌زند و منتظر می‌شود. مردی با چهره‌ای خندان در را باز می‌کند و پس از گفتن سلام می‌گوید بفرمایید چه امری داشتید و آقای الف بدون لحظه‌ای مکث با عصبانیت می‌گوید: چکش‌تان بخورد توی سرتان و برمی‌گردد به منزل. مجموعه داتیس نشستی داشت با ریاست تربیت‌بدنی استان و معلونانش. هنوز وقت بوده دور هم نشسته بودیم و راجع به جلسه صحبت می‌کردیم. یکی می‌گفت صبر کنید، روی کاغذ صد تا قول خواهند داد ولی هیچ‌کدام را اجرا نخواهند کرد. پس چرا جلسه می‌گذاریم؟ برای اینکه ثابت کنیم قول‌هایی که از طرف دولت در فوتبال به بخش خصوصی داده می‌شود چیزی همچنس کسک است. خب، اینکه دیگر جلسه گذاشتن ندارد! اگر پیش می‌دانید که کسک است برویم جای دیگر فکر چاره باشیم. دوستان تربیت‌بدنی آمدند با چهره‌هایی دوست‌داشتنی دو ساعتی صحبت کردیم و قول‌هایی گرفتیم که به سرا یا ماندن ما کمک می‌کرد اما اکثراً هنوز به کاغذی ماندن آنها اعتقاد داشتند. فردا ظهر نیمی از قول‌ها عملی شد و دو روز بعد چند تایی دیگر و به نظر می‌آید وعده‌های دیگری در راه است که اسکیزن بیشتری برای تنفس داتیس فراهم می‌آورد. مسعود گفت: بهمین کاری نداری؟ دارم می‌رم تهران. گفتم تو این شرایط می‌خوای باشگاه را سه روز تنها بگذاری. نه، امروز می‌رم فردا برمی‌گردم. گفتم تو ۱۴ ساعت تو راهی، دیگر کی می‌رسی کار انجام دهی. مسعود گفت: سه تا پرواز اضافه کردن با پرواز می‌رم با پرواز برمی‌گردم. گفتم مثل اینکه خرم‌آباد دارد به همه جا نزدیک می‌شده و بی اختیار یباد آقای الف و قرض گرفتن چکش اقدام در استان‌های محروم آمده‌ا و نهاده‌ا از هم خیلی دورند و به دلیل همین دوری‌ها با هم ارتباط برقرار نمی‌کنند و وقتی ارتباط برقرار نشد، سیستم‌های اجتماعی عملکرد نخواهند داشت و وقتی سیستم‌های اجتماعی عملکرد نداشته باشند، استان‌ها محروم و محروم‌تر خواهند شد و به این ترتیب مردم به همه چیز و همه کس بدبین می‌شوند و در فضای بدبینی هیچ موفقیتی به دست نمی‌آید و به این شکل همه به شکست عادت می‌کنند و علیه هر موفقیتی موضع‌می‌گیرند.

بایاید دست به دست هم دهیم و خرم‌آباد را به همه جا نزدیک و نزدیک‌تر کنیم.

پرش از اخبار

برای اولین بار در قم

درس خارج فقه موسیقی تدریس می‌شود

■ ایلنا: محمدحسین نواب، مدیر مدرسه اسلامی هنر قم، با بیان اینکه نظر همه فقها این نیست که همه ابزارآلات موسیقی حرام است، گفت: حرمت موسیقی چیز واحدی در نزد علما نیست، چراکه آلات موسیقی تفاوت‌هایی با هم دارند. در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ برای اولین بار درس خارج فقه موسیقی در مدرسه اسلامی هنر قم برگزار می‌شود. کلاس خارج فقه موسیقی در مدرسه اسلامی هنر با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعباس سیدحسینی کریمی برای اولین بار در قم برگزار خواهد شد. مدیر مدرسه اسلامی هنر در بیان چگونگی تصمیم‌گیری مدرسه اسلامی هنر برای برگزاری کلاس درس خارج فقه موسیقی، گفت: در مدرسه اسلامی هنر، یک شورای فقهی متشکل از شش نفر از علمای حوزه علمیه قم که هر کدام بیش از ۴۰ سال در حوزه تحصیل کرده‌اند، وجود دارد که متشکل فقهی هنر‌های مختلف را با حضور کارشناسان بررسی می‌کنند. کمالاتی که دو سال گذشته این کشور با تشکیل جلسه تصمیم به برگزاری کلاس درس خارج فقه مجسمه‌سازی در سال ۹۰-۸۹ گرفتند. درست است که شاید برخی بگویند مجسمه‌سازی حرام است اما در جلسات شورای فقهی مدرسه اسلامی هنر عنوان شد که نظر همه فقها بر حرمت مجسمه‌سازی نیست.

خورشید نوبل ادبیات به سینه چینه کسی سنجاق می‌شود

پوریا سوری:از سارتر آموختم که کلمات، اعمال هستند. اینکه یک رمان، نمایش یا یک مقاله معطوف به لحظه اکنون است و انتخاب‌های بهتر، می‌تواند مسیر تاریخ را عوض کند. آلبر کامو و جورج اورول به من یاد دادند که ادبیات بدون اخلاق، غیر انسانی است و آندره مالرو به من یاد داد که دلاوری و حماسه همان‌قدر ممکن است که در زمان آرگونت‌ها، اپویدسه و ایلیاد ممکن بود. این جملات و خیلی گزاره‌های مهم سیاسی و ادبی دیگر را سال گذشته «ماریو بارگاس یوسا» برنده نوبل ۲۰۱۰ در خطابه خود ایراد کرد و توجه جهانیان و از جمله مردم ایران را برانگیخت. حالا دوباره روزهایی است که همه خطابه برنده جدید این جایزه را انتظار می‌کشند. شاید دوباره هنرمندی برگزیده شود که چون کامو تیغ کلام را عریان کند و بگوید «دوران هنرمندان مسوولیت‌ناشناس به سر رسیده است. برای خوشبختی‌های حقیرمان متاسف باشیم، ولی باید بدانیم که این آزمون در عین حال اقبالی است برای صداقت و صمیمیت ما و ما این مبارزه را می‌پذیریم.» و شاید سخنی تازه‌تر در میان باشد که این بار از زبان یک شاعر، از زبان یک مبارز سوری، از زبان «آدونیس» بیان شود و ثمرات فرهنگی بهار عرب را به شکوفه بنشاند. البته انتخاب آدونیس شاعر سوری‌های یکی از احتمال‌های ممکن است و نام‌های بزرگ دیگری چون «کارلوس فونتنس»، «هاروکی موراکامی»، «جویس کرول اوتس»، «فیلیپ راث»، «توماس ترانسترومر» و چندین نویسنده و شاعر دیگر هم در آسمان نوبل سوسو می‌کند و باید دید امروز که آفتاب غروب کند، کدام نام درخشان بایسته است. «زنه فرانسواسولی پرودم» فرانسوی، ۱۱۰ سال پیش برای اشعارش نخستین نوبل ادبیات را از آن خود کرد، تا همه نویسندگان، شاعران و علاقه‌مندان به ادبیات پس از این همه سال هر بار که نوبت «نوبل» می‌شود، خاطره و نام او در ذهنشان تازه شود. شما دوست دارید کدام نویسنده امسال نوبل ادبیات را به خانه ببرد و جدای از علاقه شخصی‌تان پیش‌بینی می‌کنید ستاره شانس چه کسی خورشید آسمان نوبل ۲۰۱۱ است؟

لیلی گلستان ◀ مترجم



اگر من داور بودم، حتما جایزه را به «فونتنس» می‌دادم چون نویسنده محبوب من است ولی به احتمال زیاد جایزه امسال به «موراکامی» تعلق می‌گیرد. به این دلیل که در این مدت اخیر، کتاب‌هایش جنجال زیادی به پا کرده است.

عبدالله کوثری ◀ مترجم آثار کارلوس فونتنس



من زیاد به این دست از جوایز اهمیت نمی‌دهم و برایم معیار نیستند. اگر ۲۰ سال «یوسا» ترجمه کردم، به این دلیل نبوده که فکر کنم روزگاری بناست نوبل بگیرد بلکه به دلیل رغبت شخصی‌ام به این نویسنده بوده است. پیش‌بینی‌ای هم ندارم چون به طور کلی در سال گذشته کتاب‌های روز را نخواندم و بیشتر در فضای «یونان کلاسیک» سیر کردم. بنابراین بهتر می‌دانم که پیش‌بینی هم نکنم.

مهدی غبرایی ◀ مترجم آثار موراکامی و جویس کرول اوتس



«فونتنس» نویسنده محبوب من است اما صرفاً محبوبیت معیار قضاوت‌م برای شایستگی جایزه نوبل نیست. اگر بنا به راجحیت دادن صرفاً براساس علاقه‌ام باشد انتخاب اول‌م «هاروکی موراکامی» است اما تصور می‌کنم از نظر شایستگی و قدمت «فونتنس» شایسته‌تر است و اگر مینا حجم آثار باشد، حتما شایسته‌ترین «جویس کرول اوتس» است. اما در کل اظهار نظر من خیلی دقیق نیست، چون معمولاً آثار خیلی از کاندیداهای دریافت این جایزه به دست ما نمی‌رسد تا برآورد دقیقی داشته باشیم. به گمان‌م «فونتنس» بیشترین شانس گرفتن این جایزه را در رقابت با کسانی مثل «آدونیس» یا «موراکامی» دارد.

اسدالله امرایی ◀ مترجم آثار موراکامی



واقعیت ماجرا این است که من دوست دارم «کارلوس فونتنس» نوبل امسال را به خانه ببرد چراکه هم نویسنده بزرگی است و هم اینکه زمان انتخاب او در حال گذر است. اما با توجه به اینکه سال گذشته «یوسا» برنده نوبل شده، بعدی می‌دانم که دوباره جایزه را به آمریکای لاتین بدهند. اما در خصوص پیش‌بینی‌ام با توجه به آنچه گفته شد و نتایج نظرسنجی‌ها فکر می‌کنم رقابت بین «آدونیس» و «موراکامی» است و با توجه به مضامین زیبا و اشعار گریز آدونیس و همین‌طور بحث «بهار عرب» نوبل امسال را باید به آدونیس بدهند. هرچند همان‌طور که می‌دانید، فهرست بخت‌داران نوبل، فهرست بلندی است و اصولاً برندگان تا روز اهدای جایزه روح‌شان هم خبر ندارد و ممکن است با شنیدن خبر سکنه کنند.

مدیا کاشیگل ◀ مترجم



من فقط با فال قهوه می‌توانم پیش‌بینی کنم و خب ادبیات هم هیچ ربطی به قهوه ندارد مگر در کافه‌های این شهر. برایم فرق چندانی هم ندارد که کدام یک این جایزه را ببرند. چون خیلی از این اسامی دوستان من هستند، هر کدام که این جایزه را دریافت کنند، خوشحال خواهم شد.

عبدالحسین فرزاد ◀ مترجم



مسلماً علاقه شخصی من را که انتخاب نخواهند کرد. من سال‌هاست عقیده دارم باید نوبل را به «آدونیس» بدهند، اما این اتفاق رخ نمی‌دهد. در حالی که آدونیس سال‌هاست جزو کاندیداهای نوبل است و امسال هم در تمامی نظرسنجی‌ها باخث بالایی داشته، اما او را به خاطر مواضع انتقادی‌اش درباره فلسطین همیشه نادیده می‌گیرند، هر چند امیدوارم امسال این روند نااعادانه شکسته شود و آدونیس نوبل را به خانه ببرد.

مینو مشیری ◀ مترجم



میل شخصی من آن است که «فونتنس» این جایزه را از آن خود کند، چرا که من به نویسنده‌های آمریکای جنوبی بسیار علاقه‌مندم و دلیلی نمی‌بینم چون که سال قبل «یوسا» از آمریکای جنوبی برنده این جایزه بوده، امسال فونتنس جایزه را انبرد. اما در خصوص پیش‌بینی اصلی‌ام فکر می‌کنم «آدونیس»، شاعر سوری شانس بسیار بالایی برای بردن نوبل دارد چراکه او بارها نامزد این جایزه بوده و در جهان شهرت فراگیری دارد.



سلمان طاهری
salmantaheri@gmail.com



خواب‌نگاری‌ها

میدان جهانگردی

کالسکه با شکل‌های عجیب برای جهانگرد‌ها، به عدشون سوار بر یکی از اون‌ها که درازه و اتاق‌هاش رو به پادپروونه و سایبون بالا سرش داره جهانگرد‌ها می‌گنرن و ما و اون‌ها به هم نگاه می‌کنیم. کالسکه‌های دیگه همه تخت‌خواب‌هایی‌اند کنار خیابون برای استراحت جهانگرد‌ها یا برای بسته‌شدن به اسب برای چرخیدن دور میدون. یکی از اونا به تخت کهنه بیمارستانه یا تختایی N مانند با بالاش به سایبون و کنارشم به دوش گنج گرفته. این‌طرف هم روی چندتا از این تخت‌های شبیه نیمکت‌های ایستگاه اتوبوس، چند جهانگرد نشسته یکی‌شون عینک دودی بزرگ به چشم و کلاه به سر و پوششی عجیب و به سگ خیلی کوچولوی گرگ‌مانند تو بغلش. تو بخش اصلی میدون، بغض‌گلو‌م رو گرفته و بعدشم گریه‌ه که که تمام مملکت چرا همین به جا باید باشه و چرا هزار تاجی دیگه شبیه اینجا نیست.

به گوشه میدون که شبیه لباس عروس فروشی‌های طبقه دوم تو قاطع سمعدی جمهوری به کشیسه‌هاشون رو به خیابونه و پشت شیشه‌ها لباس عروس چینن روتر تمیز کردن و دیوارهای سیمانی‌ش رو کندنم که نمای قدیمی کار کنن. اون‌دست این میدون بزرگ هم سیرستان البرزه بدون دیوارهای دوروبرش و حتی بدون‌دار و درخت‌های ورودیش شاید ساختمانون و فضای خالی پشتشت تا ساختمانون اون ته و سالن بسکتبال، همه و همه دیده می‌شه.



افشین هاشمی
www.afshinhashemi.com

آنچه می‌خوانید، واقعا خواب است؛ نه تخیل، نه داستان؛ خواب. واقعا خواب. همان که هر شب، با یک شب درمیان، یا چند شب در میان، با روزی چندبار می‌بینیم. این نوشته‌ها یک گذر صبحگاهی ست. گذر صبحگاهی آدمی بر آنچه شب گذشته دیده، در سفری ناخوشانه به دیرازی ناشناس. سفری شبانه به سرزمین خواب. و این می‌شود خواب‌نگاری. در هفت سال شب-میدان جهانگردی

شنبه / ۲۵ شهریور ۱۳۸۵
بخشی از تئاتر شهر، شیشه‌ای؛ و اون طرفش آبدارخونه و تهی هم دفتر ناجا مثل اینکه حسین پارسایی خواسته کارهایی بکنه. فکر اینکه «در این دوره سیاسی شاید بشه «مبایش سیاسی – موزیکال – کم‌کلام پهلوان اتلولی مشرقی» را اجرا کرد.

بیرون تئاتر شهر، به میدون خیلی بزرگه، آمیخته‌ای از میسلون نقش جهان اصفهان و میدونگاه حرم امام رضا و میدون بزرگ پیراگ و... که خیلی شلوغه؛ پر جهانگرد خارجی، سسر به خیابون منتهی به ایسن میدون، پر تخت و

برداشت آخر

گزارشی از فعالیت‌های برنده نوبل شیمی ۲۰۱۱

کاشی‌های مسجد امام اصفهان، الهام‌بخش شیمیدانان



شد. تا آن زمان تصور بر این بود که در تمام مواد جامد، اتم‌ها در چارچوبی متقارن قرار گرفته‌اند که پیوسته و بارها تکرار می‌شوند. برای آنکه بلوری تولید شود، لازم است که چنین طرح‌های تکرار شونده‌ای پدید آید اما تصویر «ششمن» نشان می‌داد که اتم‌های درون بلور، به‌گونه‌ای است که طرح‌های تکرار شونده را پدید نمی‌آورد. پدید آمدن چنین طرح‌هایی از نظر دانشمندان غیرممکن بود. این حالت درست مثل آن است که بخواهیم توپ چرمی فوتبال (مشهور به توپ چهل تکه) را فقط با استفاده از قطعات چرمی شش‌ضلعی بسازیم در حالی‌که می‌دانیم برای ساخت یک توپ فوتبال هم به قطعه‌های شش‌ضلعی نیاز داریم و هم به

تشریح خواص شبه‌بلورهای «ششمن» از یکی از اصول ریاضیات و هنر به نام «نسبت طلایی» استفاده کردند. گفتنی است این عدد توجه ریاضیدانان یونان باستان را نیز به خود جلب کرده بود، چرا که از این مفهوم بارها در هندسه استفاده می‌شد. در شبه‌بلورها هم نسبت فواصل بین اتم‌های مختلف با نسبت طلایی ارتباط دارد. پس از کشف «ششمن» دانشمندان دیگر توانستند انواع دیگر شبه‌بلورها را در آزمایشگاه‌ها تولید کنند و از آن جالب‌تر، شبه‌کرystalهایی را در سنگ‌های معنی‌ی رودخانه‌ای در روسیه کشف کردند که به‌طور طبیعی تشکیل شده بود. یک شرکت سوئدی نیز شبه‌کرystal‌ها را در نوع خاصی از فولاد کشف کرد که وجود این ساختارها به استحکام و سختی فولاد می‌افزاید. امروزه دانشمندان از شبه‌بلورها در محصولات مختلفی از ماهی‌تابه گرفته تا موتورهای دیزل استفاده می‌کنند. گفتنی است «دانیل ششمن» متولد ۱۹۴۱ در تل آویو است، وی دکترای خود را در سال ۱۹۷۲ دریافت کرد و هم‌اکنون استاد برجسته و صاحب کرسی فیلیپ‌توبیاس در انستیتو فناوری تکنیون است.